

کانون مدافعان حقوق کارگر

بشنو از

علی یزدانی

بشنو از بشقاب و قاشق این نوا
روی صحن سفره ی بی نان و نا
هر دو همساز و هماهنگ و دقیق
با سرودی سرد و با سوپی رقیق
یاد یاران را چه خالی کرده اند
نوحه تقدیم اهالی کرده اند:
"ما ز یاران چشم یاری داشتیم
خود غلط بود آنچه می پنداشتیم"
ای دریغا رسم یاری را چه سود
این جفا دیدن حقوق ما نبود
سنگدان و پای مرغی داشتیم
مرغ و نان را یار می انگاشتیم
آن رفیق نیمه ره بود این یکی
نا رفیقی کرد و پر زد طفلکی

آنکه از کف برده مرغ و نان ما
آنکه آتش زد بر این انبان ما
نظم سودا پیشه ی دون پرور است
کیش و آئینش تلنبار زر است
نظم غارت پیشه ی سرمایه دار
برد از ما نان و آرام و قرار
سفره این سان هیمه بر آتش فرود:
مرگ بر دزدی که نان از ما ربود
شرم دارم از شما زحمتکشان
زخم ها در سینه دارم جای نان
یاد باد از روزگار سرخ داد
یاد وصل سفره با نان یاد باد
روزگاری سفره گر مغموم بود
از تمام خوردنی محروم بود
هر چه کم می شد ولی نان کم نبود
فکر نان بود و ولی نان غم نبود
صندوق بین الدول شد رهنمون
تا حکومت ها کنند در شیشه خون

خون محرومان و کار توده چون
مفت و ارزان می خرنند این قوم دون
جز غم و نفرت نمی زاید دمی
گشته چون افسانه عشق آدمی
صندوق بین الدول ماما شده
تا بزایاند نظامی سود ده
زان که خرس از دارایان ز سود
بیش ازین خواهد که تا این لحظه بود
آمد از بانک جهانی این ندا
نان گران سازید و جان را بی بها
شد "هدفمندی" بلاي جان ما
حذف کرد از سفره لقمه نان ما
در "هدفمندی" ندیدم جز ستم
کی توانم این صفت بر آن نهم
هر چه گشتم جز ستم در آن نبود
نیل بی آب است این با نام رود